

بررسی موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد از نظر اعضای هیئت علمی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

دکتر محمد حسن میرزاحمدی*

مهدی امیری**

سیاوش پورطهماسبی***

چکیده

پژوهش حاضر، موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد را از نظر اعضای هیئت علمی این دانشگاه نشان می‌دهد. بدین منظور، موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد، حول سه محور درون‌زا، برون‌زا و ترکیبی (درون‌زا + برون‌زا) که شامل ۸ سؤال اصلی بوده، مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد بوده که با توجه به حجم اعضای جامعه آماری (۲۷۹ نفر) و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه بوده و داده‌های حاصل به دو شیوه توصیفی و استنباطی تحلیل آماری شده است. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش نشان داد که، طبق آزمون رتبه‌بندی «فریدمن»، نخست موانع درون‌زا بیشترین نقش بازدارندگی را در توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد دارند؛ پس از آن، موانع برون‌زا و در رتبه سوم موانع ترکیبی قرار دارد؛ دوم، بین میزان اهمیت موانع درون‌زا تفاوت معنادار وجود ندارد و با توجه به میانگین رتبه‌های حساب‌شده، نقش مدیریت ارشد مهم‌ترین مانع درون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است و بعد از آن، به ترتیب، نقش پیچیدگی اهداف، و در نهایت نقش منابع انسانی، مهم‌ترین مانع درون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است؛ سوم، بین میزان اهمیت موانع برون‌زا تفاوت معنادار وجود ندارد؛ با توجه به میانگین رتبه‌های محاسبه‌شده، نقش عوامل علمی و تحقیقاتی، مهم‌ترین مانع برون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است و پس از آن، به ترتیب، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی - اجتماعی، و در نهایت، عوامل اقتصادی و مالی مهم‌ترین موانع برون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است؛ چهارم، با توجه به میانگین رتبه محاسبه‌شده، نقش و ضریب کوشش نیز مانع ترکیبی کارآفرینی در دانشگاه است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، توسعه، موانع، دانشگاه.

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران (مسئول مکاتبات Email: mir_educated@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه تهران.

*** کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت.

مقدمه

پیشرفت علم و فناوری در عصر حاضر، به اندازه‌ای است که صاحب‌نظران، این قرن (قرن ۲۱) را قرن یادگیری مداوم نام نهاده‌اند. در چنین فضایی، نقش و جایگاه کارآفرینان به عنوان موتور توسعه، بسیار بارز و حساس شده است. به دلیل ارتباط تنگاتنگ خلاقیت و کارآفرینی^۱ بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مطابق شرایط و امکانات و نظام آموزشی خود، اقدام به طراحی و اجرای نظامی تحت عنوان «نظام نوآوری ملی» کرده‌اند (صمدآقایی، ۱۳۸۲: ۶).

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای (متعهد شدن)^۲ نشئت گرفته است. فرهنگ لغت «وبستر»، کارآفرین را کسی می‌داند که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (کوچران^۳، ۱۹۶۸: ۸۷).

این اصطلاح را اولین بار «ژوزف شومپتر»^۴ اقتصاددان، که به پدر علم کارآفرینی معروف است به کار برد (سعیدی کیا، ۱۳۸۵: ۲۰). با مروری بر تعاریف مختلف کارآفرینی متوجه می‌شویم که همه آن‌ها تقریباً دارای عناصر مشترکی همچون خلاقیت، تغییر، حل مسئله و... هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد برای تعریف کارآفرینی باید دارای دیدی میان‌رشته‌ای باشیم تا بتوانیم امور را از زوایا و دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم (احمد پورداریانی، ۱۳۸۴: ۳). موضوعی که در این میان اهمیت دارد، نقش و جایگاه نظام آموزشی و به خصوص دانشگاه‌ها در توسعه کارآفرینی و بهبود آن است. «بارتون کلارک»^۵ معتقد است که دانشگاه‌های پویا در قرن ۲۱ دانشگاه‌هایی کارآفرین هستند، این اهمیت تا جایی است که دانشگاه‌ها شروع به تأسیس پارک‌های فناوری، شهرک‌های تحقیقاتی و انکوباتورها کرده‌اند، اما دانشگاهی که قصد دارد، کارآفرین تربیت کند باید خود، سازمانی کارآفرین باشد تا متعهد شود محصولات جدید، فرآیندهای جدید و نظام‌های سازمانی نوین ایجاد کند و برای این منظور انقلاب جدیدی به سوی گسترش کارآفرینی درون‌سازمانی ایجاد کند؛ بنابراین نقش آموزش عالی در دو سطح کلان و خرد قابل بررسی است که در سطح کلان، راهبرد آموزش عالی، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در جامعه و نهادینه کردن آن است که با بهره‌مندی از شیوه‌های تربیت کارآفرینی می‌توان برای تأمین منابع انسانی اقدام کرد. در سطح خرد که همان وظایف سطح عملیاتی است، می‌توان با رویکرد آموزشی کارآفرینی در فضای آموزشی (کلاس)، به فعالیت‌هایی همچون: پرهیز از تأکید بر مباحث تئوریک محض، روش‌های آموزش فعال و یادگیری پژوهش‌محور، به روز بودن مطالب درسی، تقویت

1. Entrepreneurship.

2. Undertake.

3. Cochran, T.

4. Joseph Schumpeter.

5. barton clark.

توانایی عقلانی و انتزاعی افراد و مهارت‌های روابط انسانی پرداخت (نجفی و رفیعی، ۱۳۸۴: ۳۵۵)؛ بنابراین، یکی از الگوهای جدید، رویکرد سیستمی به نظام آموزش عالی است که در این رویکرد، دو مؤلفه مشتری‌گرایی و نتیجه‌گرایی نقش کلیدی و اساسی در کیفیت خروجی سیستم دارند (سعیدی کیا، ۱۳۸۵).

اهمیت و ضرورت

از نظر گیب^۱ (۱۹۸۷) مهم‌ترین عامل رویکرد به مسائل آموزشی در بحث کارآفرینی، عدم کارایی نظام اداری دولتی در روند اشتغال‌زایی است و اینکه شرکت‌های کوچک سهم بیشتری را در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و استخدام افراد دارند (گیب، ۱۹۸۷: ۳۸). «پیتر شولت»^۲ معتقد است دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است با دو وظیفه: ۱. باید کارآفرینان را آموزش دهد و افرادی را تربیت کند که کسب و کاری را ایجاد کنند و روحیه کارآفرینانه را در دانشجویان در تمام حوزه‌ها توسعه دهد؛ ۲. خودش کارآفرینانه عمل کند، مراکز رشد را سازماندهی کند، پارک‌های فناوری و مواردی نظیر آن را ایجاد کند، دانشجویان را در این سازمان‌ها درگیر کند و از طریق آن‌ها به دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در ایجاد کسب و کار کمک کند و بالاخره از لحاظ مالی استقلال پیدا کند (کردنائیچ، ۱۳۸۴: ۱۷). یونسکو^۳ نیز در گزارش خود با عنوان آموزش عالی در اروپا، دانشگاه کارآفرین را چنین تعریف می‌کند: دانشگاهی که باید به دانشجویان آموزش کارآفرینانه بدهد تا آنها کارآفرین شوند، در دانشگاه، ساختار کارآفرینانه را توسعه دهد، و در بین اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان نگرش‌های کارآفرینانه ایجاد کند، مهارت‌های کارآفرینی را در آن‌ها پرورش دهد (همان: ۱۸).

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است؛ به طوری که آموزش کارآفرینی را به عنوان لازمه رشد نیروی انسانی مطرح می‌کنند (نو و وی،^۴ ۲۰۰۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد که از اوایل دهه دهه ۱۹۸۰، دانشگاه‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی و برخی از کشورهای آسیایی، بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های آموزشی متعددی را برای سازمان‌های خصوصی یا عمومی طراحی کرده‌اند (گیب، ۱۹۹۰: ۱۱)؛ به عنوان مثال، در آمریکا از اواخر دهه ۱۹۶۰ تعداد دانشکده‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده بودند، بیش از ۱۳۰ دانشکده بود که تا سال ۱۹۹۰ این تعداد به ۵۰۰ دانشکده رسیده است و

1. Gibb, A.

2. Schulte, Peter.

3. United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO).

4. Neo, K.

5. Wee, L.

همچنان در حال افزایش است (وسپر^۱، ۱۹۹۳: ۴). بسیاری از دانشگاه‌ها در آسیای جنوب شرقی، درس‌هایی را در زمینه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه می‌کنند. دانشکده مدیریت در انستیتو فناوری آسیا نیز تدریس چنین دوره‌هایی را آغاز کرده است. برخی مؤسسات و دانشگاه‌ها، نیز مراکزی را برای توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک تأسیس کرده‌اند که از آن میان، می‌توان به مؤسسه صنایع کوچک در دانشگاه فیلیپین، مراکز توسعه کارآفرینی "انستیتوی فناوری «مارا»" در مالزی، و همچنین مراکزی در دانشگاه نانیانگ و دانشگاه پرتانیا اشاره کرد (سازمان همیاری و اشتغال، ۱۳۸۱: ۸). در ایران نیز موضوع کارآفرینی و اهمیت آن و به‌خصوص بعد آموزشی و پرورشی کارآفرینان توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی مورد توجه قرار گرفت که با استفاده از «منابع بین المللی کار»^۲، طرح آموزش کارآفرینی را در سال ۱۳۶۷ ارائه کرد و همزمان با تدوین نظام جدید آموزشی، در سال ۱۳۶۸ «کارآفرینی» به عنوان یکی از دروس رشته کار و دانش پیشنهاد شد؛ همچنین بحث کارآفرینی از برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد توجه خاص قرار گرفته است و اعتبارات و بودجه‌های سالیانه برای توسعه آن از سوی چند وزارتخانه و سازمان دولتی پیش‌بینی شده است (شاه حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۶). در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، این طرح به سازمان سنجش آموزش کشور سپرده شده است و با عنوان طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد) دنبال می‌شود (علوی و حداد، ۱۳۸۰: ۵۰۴) که دبیرخانه آن هم‌اکنون در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران قرار دارد. بر این اساس، در دانشگاه‌های کشور به منظور تربیت متخصصان شایسته و ایجاد توانایی کارآفرینی، در بیش از ۴۲ دانشگاه، مرکز کارآفرینی راه‌اندازی شده است و سیاست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری براین است که حتی دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز دارای مراکز کارآفرینی شوند تا سیستم آموزشی را یاری کنند (ملکی، ۱۳۸۶).

اهداف طرح کاراد

ترویج، ترغیب و ارتقای روحیه و فرهنگ کارآفرینی و تلاش در جامعه دانشگاهی، ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به آموزش دوره‌های کارآفرینی، گسترش تحقیقات تفصیلی در خصوص کارآفرینان پروژه‌های کارآفرینی، محیط و فضای کارآفرینان و سایر زمینه‌های مرتبط، با توجه به شرایط و مقتضات ایران، آگاه‌سازی جامعه دانشگاهی در مورد کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آنها در رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و رفاه است (شاه حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶). وزارت کار و امور اجتماعی نیز

1. Vesper, K.

2. International Labour Organization (ILO).

در راستای اهداف و وظایف خود، به کارآفرینی به عنوان یک راهکار مؤثر در ایجاد اشتغال نگریسته و در این زمینه اقداماتی به عمل آورده است که از جمله می‌توان به برگزاری جشنواره اشتغال و کارآفرینی در مهر ماه ۱۳۸۳ اشاره کرد (رضوی نعمت‌الهی، ۱۳۸۴: ۱۰)؛ بنابراین، در اقتصاد مبتنی بر دانش، دانشگاه‌ها علاوه بر مأموریت‌های آموزشی و تحقیقاتی، مأموریت سوم خود یعنی مشارکت فزاینده‌تر در فرایند نوآوری و توسعه فناوری را نیز عهده‌دار شده‌اند. بر این اساس، شبکه‌های جدید وابسته به دانشگاه‌ها در حال رشد هستند و دانشگاه‌ها با توجه به ظرفیت‌هایی که به عنوان نهاد تولید و توزیع‌کننده دانش دارند، به عنوان دانشگاه‌های کارآفرین نقش اساسی را در نوآوری صنعتی و توسعه فناوری و در نتیجه اشتغال‌زایی ایفاء می‌کنند؛ بنابراین، رویکرد حاکم بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، رویکردی نیازگرا در تمایل با سازمان‌های بیرونی دانشگاه است (باقری نژاد، ۱۳۸۰: ۳۶۹).

از طرفی اگر نیاز به افزایش سطح کارآفرینی در دانشجویان و فارغ‌التحصیلان احساس شود، دانشگاه‌ها باید بیشتر رویکردهای کارآفرینانه و ابتکاری را مورد استفاده قرار دهند (ماتلی^۱، ۲۰۰۵). برای این کار، دانشگاه‌ها شیوه‌ها و برنامه‌های متفاوتی را به کار می‌گیرند، آن‌ها برای فعالیت‌های محدود به واحدهای درسی مربوط به بازرگانی و مهندسی، برنامه‌های متمرکز در نظر گرفته و این برنامه‌ها را برای دانشجویان شاخه‌های دیگر به صورت گسترده در سطح دانشگاه ارائه می‌کنند. در این صورت، برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها می‌توانند به دو صورت: جاذبه‌ای^۲ و یا تشعشی^۳ عمل کنند؛ بدین معنی که دانشجویان گرایش‌های مختلف می‌توانند واحدهایی را در دانشکده‌های بازرگانی و یا مهندسی بگذرانند و یا اینکه دوره‌های آموزش کارآفرینی، در دانشکده‌های مختلف مؤسسات آموزش عالی ارائه گردند (یونسکو، ۲۰۰۴)؛ بنابراین، آموزش عالی می‌تواند از طریق آموزش بر خصیصه‌ها و توانایی‌های افراد تأثیر مثبت بگذارد. مهارت‌های افراد از خصوصیات اکتسابی هستند که می‌توان از طریق آموزش آن‌ها را توسعه داد. خصوصیات ذاتی نظیر یادگیری، ویژگی‌های شخصی و خلاقیت هم، از طریق آموزش قابل توسعه هستند. هرچند ویژگی‌هایی نظیر خلاقیت سخت‌تر قابل آموزش‌دهی و پرورش‌اند، ولی تحقیقات نشان داده که آموزش به‌خصوص در سنین پایین در آن‌ها مؤثر است. در این میان، آموزش عالی می‌تواند با توسعه و پرورش خصیصه‌های کارآفرینانه و نیز با افزایش توانایی مدیریتی و کارآفرینانه افراد باعث افزایش عرضه کارآفرینی شود؛ بنابراین، آموزش عالی می‌تواند با توجه به نیاز بازار کار به افراد متخصصی که دانش مدیریتی و کارآفرینی دارند، اقدام به طراحی درس کارآفرینی برای تمامی رشته‌ها کند (شاه حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

1. Matlay, H.
2. Magnet.
3. Radiant.

مرور مطالعات پیشین

بدیهی است که کارآفرینی در داخل سازمان ها به خصوص دانشگاه‌ها به مراتب مشکل‌تر از کارآفرینی است که در ارتباط با سازماندهی یک کسب و کار مستقل است (پرداختچی و شفیع زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و موانع عمده‌ای در راه کارآفرینی دانشگاهی وجود دارد. حیدری (۱۳۸۲: ۱۸۸) موانع کارآفرینی در دانشگاه‌ها را چنین بیان می‌کند:

نظری بودن درس‌های دانشگاهی به ویژه در رشته‌های علوم انسانی و عدم کاربردی بودن آنها، نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در سطوح گوناگون جامعه، عدم هماهنگی نیازهای بازار کار با تخصص‌های دانشگاهی، محدودیت اختیار مدیران دانشگاه‌ها در زمینه برگزاری درس‌های کارآفرینی و عدم برنامه‌ریزی بلندمدت برای کارهای اشتغال‌زا، عدم ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز تولیدی - صنعتی، ناآشنایی جوانان به خصوص دانشجویان با بازارکار.

صمدآقایی (۱۳۸۲: ۲۷۲) موانع کارآفرینی در سازمان‌های غیر انتفاعی را در سه دسته بیان می‌کند: عوامل محیطی، عوامل داخلی (ساختارها و پروسه‌ها)، عوامل ترکیبی (عواملی که از دو عامل فوق منتج می‌شوند).

یدالهی فارسی (۱۳۸۴: ۱۳۶) موانع کارآفرینی سازمانی را شامل: ساختار متمرکز با رسمیت بالا، سلسله مراتب سازمانی زیاد، عدم پذیرش اشتباه یا نقض مقررات از طرف کارکنان، محافظه‌کاری در تصمیم‌گیری‌ها، عدم دسترسی به منابع، سیستم‌های پرداخت حقوق و پاداش مبتنی بر معیارهای غیر از عملکرد می‌داند. بخشی (۱۳۸۱: ۲۰) در تحقیقی با عنوان بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران، این موانع را در سه دسته محیطی (فقدان رقابت، نداشتن اختیار سیاست‌گذاری و تعیین مأموریت توسط مدیران، وجود گروه‌های ذی‌نفع متعدد و پاسخگو بودن به عموم مردم)، موانع داخلی (تصمیمات مدیریت عالی در انتصاب و به‌کارگیری مدیران زیر دست، عدم تفویض اختیار کافی، پیچیدگی و تعدد اهداف)، و موانع منتجی (موانع فرهنگی - اجتماعی، تعریف سنتی از موفقیت، تغییرات مکرر مدیریت) بررسی کرد و نتیجه گرفت که رابطه این موانع با کارآفرینی سازمانی در آن دانشگاه معکوس و معنی‌دار است که مهم‌ترین این موانع نیز موانع داخلی هستند. صباغیان، احمد پورداریانی و عزیز (۱۳۸۱: ۱۶۳) در تحقیقی نشان دادند که برنامه‌های فعلی دانشگاه در پرورش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان تأثیری ندارد. برومند نسب (۱۳۸۱: ۱۵۰) به بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه اهواز پرداخت. پژوهش‌های وی نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. عزیز (۱۳۸۲: ۱۵۴) با هدف بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر

کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ به این نتیجه رسید که بین برنامه‌های تحصیلی و آموزشی ارائه‌شده از سوی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی و میزان کارآفرینی دانشجویان از نظر آنان رابطه‌ای وجود ندارد. سعیدی کیا (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی: پیامد دانشگاه نتیجه‌گرا» معتقد است که برای تربیت افراد کارآفرین دانشگاه باید دارای سازمانی سیستمی، نتیجه‌گرا، مشترک‌گرا، انعطاف‌پذیر و کارآفرین باشد. رحمانیان و نظری کتولی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان به دو دسته از عوامل بیرونی و درونی اشاره می‌کنند، که عوامل درونی را شامل: عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو و نیازهای بازار کار، عدم تناسب محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی، ناکارآمدی اعضای هیئت علمی در تربیت نیروی کار، فقدان زمینه مناسب برای آموزش‌های علمی و کاربردی، مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاه‌ها و... و عوامل بیرونی را شامل: رواج نیافتن فرهنگ کاریابی، عدم توسعه بنگاه‌های کاریابی خصوصی، رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان و... می‌دانند. یداللهی فارسی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش جدید دانشگاه‌ها: توسعه قابلیت‌های کارآفرینی» به بررسی شرایط پیش روی دانشگاه‌ها و لزوم ایفای نقش دانشگاه‌ها در تسریع فرایند توسعه کشور و دلایل نیاز به توسعه کارآفرینی در کشور پرداخته است و نقش دانشگاه‌ها را در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی به منظور ایجاد قابلیت‌های لازم برای توسعه در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی تبیین کرده است. احمدزاده (۱۳۸۴: ۱۸۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشگاه شهید بهشتی به این نتیجه رسید که عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی (اهداف، روش‌ها، محتوا، منابع یادگیری، راهبرد تدریس) به پرورش مهارت‌های شخصی، مدیریتی و کارآفرینی توجه ندارد؛ بنابراین، بدیهی است که یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، دانش‌آموختگان فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب است. این امر آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به وسیله توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان مسلم می‌سازد، اما آماده‌سازی در مورد کارآفرینی نباید بعد از فارغ‌التحصیلی باشد بلکه این امر باید در حین تحصیل انجام شود و لازم است روح کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرورش داده شود. در این زمینه، بازنگری رشته‌های دانشگاهی و سرفصل‌های دروس آموزشی در تمامی مقاطع به ویژه در دانشگاه‌ها و تأسیس رشته‌های علمی به ویژه علمی که خلأ آنها در کشور محسوس است، امری لازم و ضروری است. نتیجه، اینکه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نقش تولید علم و گسترش مرزهای جدید دانش را به عهده دارند، اما لازمه به‌کارگیری آن و تولید نوآوری، وجود افراد کارآفرین

است که بتوانند راهکارهای جدید و نوآورانه‌ای را برای مسائل کاربردی ارائه دهند، ولی به نظر می‌رسد هدف از ایجاد دانشگاه علمی - کار بردی نیز همین پر کردن خلأ بین علم و دانش و بازار کار بوده است تا بتوانند با الهام از افراد نخبه و علمی، ایده‌های آن را به منصفه ظهور برسانند و سبب شوند تا همگان از آن ایده‌ها بهره‌مند شوند. با توجه به قراین فوق، مسئله اساسی در پژوهش حاضر، بررسی موانع توسعه کار آفرینی در دانشگاه شاهد است؛ بنابراین، سعی داریم این موانع را بررسی و راهکارهایی برای ارتقای آن ارائه دهیم. بر این اساس، سؤال‌های ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

سؤال اصلی

از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه چیست؟

سؤال‌های جزئی

الف) درون‌زا

۱. از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، نقش مدیریت ارشد در توسعه کارآفرینی در دانشگاه چگونه است؟
۲. از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، میزان پیچیدگی هدف‌ها در توسعه کارآفرینی در دانشگاه چگونه است؟
۳. آیا منابع انسانی در توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه مؤثر است؟ به چه میزان؟

ب) برون‌زا

۴. نقش موانع فرهنگی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه چگونه است؟
۵. موانع سیاسی و اجتماعی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه کدامند؟
۶. موانع اقتصادی و مالی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه کدام‌اند؟
۷. موانع علمی و تحقیقاتی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه کدام‌اند؟

ج) ترکیبی (مختلط)

۸. آیا ضریب کوشش آموزش عالی (منابع مادی) در توسعه کارآفرینی در دانشگاه مؤثر است؟ به چه میزان؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی و به روش پیمایشی انجام شده است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ است که با توجه به آخرین آمار تعداد ۲۷۹ نفر است. در راستای برآورد تعداد نمونه لازم برای اجرای پژوهش، براساس حجم جامعه اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد طی سال تحصیلی ۸۷-۸۶، تعداد ۱۵۰ نفر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از جدول مورگان انتخاب شد. در این ارتباط، به منظور نمونه‌گیری، درصد سهم اعضای هیئت علمی در دانشکده‌های دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات

در راستای بررسی موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد از پرسشنامه‌ای که با همین عنوان در دانشگاه مازندران از سوی غلامرضا بخشی، صورت گرفته بود، استفاده شد، که با توجه به فرضیات پژوهش تغییراتی در آن داده شد. در این پرسشنامه، برای شناسایی موانع کارآفرینی در دانشگاه شاهد، هشت عامل اساسی مطرح و برای بررسی آنها از ۵۲ سؤال استفاده شد، که شش سؤال آن مربوط به مشخصات عمومی و مابقی مربوط به متغیرهای مورد بررسی است که در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد) طراحی شد. پایایی این پرسشنامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۷۰۹ بوده است و برای بررسی روایی صوری پرسشنامه از نظرات ۱۵ نفر از استادان استفاده شد.

شیوه اجراء و مراحل انجام پژوهش

از آنجا که نمونه پژوهش بر اساس درصد سهم تعداد اعضای هیئت علمی دانشکده‌های دانشگاه بود، به تعداد لازم از ابزار پژوهش تهیه و در اختیار اعضای هیئت علمی قرار گرفت، که با توجه به همکاری ایشان تعداد ۱۲۰ پرسشنامه تکمیل شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، روش آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، و واریانس و آمار استنباطی همچون روش‌های t تک نمونه‌ای، و فریدمن با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۶ به کار گرفته شد.

بیان کلی نتایج پژوهش

در پژوهش حاضر، ۸ سؤال مطرح شد و پژوهش در راستای این سؤال‌ها انجام گرفت. در این قسمت، سؤال‌های مذکور مطرح می‌شود و نتایج مربوط به هرکدام ارائه می‌شود:

۱. از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، نقش مدیریت ارشد در توسعه کارآفرینی در دانشگاه چگونه است؟

میانگین کل محاسبه شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش مدیریت ارشد در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر ۲/۸۸ و در حد پایین تر از متوسط بوده است. که بر این اساس، ۲ مؤلفه میزان حمایت مدیریت از طرح های جدید و میزان اختیار مدیران دانشگاه در زمینه برگزاری درس های کارآفرینی مهم ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است.

۲. از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، میزان پیچیدگی هدف ها در توسعه کارآفرینی در دانشگاه چگونه است؟

میانگین کل محاسبه شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش پیچیدگی اهداف در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر ۲/۶۶ و در حد پایین تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه های میزان قابل اندازه گیری بودن اهداف حوزه فعالیت اعضای هیئت علمی و میزان واضح و روشن بودن اهداف و مأموریت دانشگاه مهم ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

۳. آیا منابع انسانی در توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه مؤثر است؟ به چه میزان؟ میانگین کل محاسبه شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش منابع انسانی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر ۲/۵۱ و در حد پایین تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه های میزان توجه دانشگاه به برگزاری کلاس های ضمن خدمت آموزش و ایجاد دوره های آموزشی مرتبط با رشته شما و تا چه حد در دانشگاه به تربیت محقق و پژوهشگر اهمیت داده می شود، مهم ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

۴. نقش موانع فرهنگی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه چگونه است؟ میانگین کل محاسبه شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش موانع فرهنگی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه برابر ۲/۷۲ و در حد پایین تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه های میزان آشنایی اعضای هیئت علمی با فرایندها و نحوه اجرای امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی خود و میزان دسترسی اعضای هیئت علمی در دانشگاه به منابع معتبر و به روز مهم ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

۵. موانع سیاسی و اجتماعی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه چه می باشند؟ میانگین کل محاسبه شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش موانع سیاسی و اجتماعی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر ۲/۶۵ و در حد پایین تر از متوسط بوده است. بر این اساس، دو مؤلفه، به چه میزان مراکز قدرت خارج از دانشگاه در اخذ

تصمیمات جدید و نو مؤثرند و تا چه میزان دانشگاه در انجام فعالیت‌های خود تحت تأثیر افکار عمومی حرکت می‌کند مهم‌ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛
۶. موانع اقتصادی و مالی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه کدام‌اند؟

میانگین کل محاسبه‌شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش موانع اقتصادی و مالی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر $2/42$ و در حد پایین‌تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه‌های، دانشگاه چه میزان در جهت تأمین مالی طرح‌های نو و در جهت جذب منابع مالی جدید تلاش می‌کند، مهم‌ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

۷. موانع علمی و تحقیقاتی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه کدام‌اند؟
میانگین کل محاسبه‌شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش موانع علمی و تحقیقاتی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر $2/65$ و در حد پایین‌تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه‌های، میزان تلاش دانشگاه برای افزایش قابلیت‌های آموزشی و پژوهشی خود و میزان دسترسی اعضای هیئت علمی به منابع علمی و تحقیقات انجام‌شده در رشته خود، در دانشگاه محل خدمت، مهم‌ترین عوامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

۸. آیا ضریب کوشش آموزش عالی (منابع مادی) در توسعه کارآفرینی در دانشگاه مؤثر است؟ به چه میزان؟

میانگین کل محاسبه‌شده نتایج ابزار پژوهش در خصوص نقش ضریب کوشش آموزش عالی (منابع مادی) در توسعه کارآفرینی در دانشگاه برابر $2/58$ و در حد پایین‌تر از متوسط بوده است. بر این اساس، مؤلفه، تا چه حد دانشگاه شاهد از نظر منابع و تجهیزات به فعالیت‌های مرتبط با دروس عملی اهمیت می‌دهد، مهم‌ترین عامل از سوی پاسخگویان بوده است؛

همچنین تحلیل انجام‌شده نشان داد که میانگین نظرهای اعضای هیئت علمی در خصوص تأثیر نقش هر یک از عوامل اصلی در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، در سطح بالاتر از سطح متوسط معنادار نیست (جدول ۱).

جدول (۱) تحلیل استنباطی دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی در خصوص نقش هریک از عوامل در توسعه کارآفرینی

شماره سؤال پژوهش	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	T	$P \leq .5$ مقدار بحرانی جدول
یک	۲/۸۸	۱/۰۲	۰/۰۴	-۲/۶۱۴	۱/۶۴
دو	۲/۶۶	۰/۹۷۵	۰/۰۳	-۸/۸۶۹	۱/۶۴
سه	۲/۵۱	۰/۹۶	۰/۰۴	-۱۰/۶۴	۱/۶۴
چهار	۲/۷۲	۱/۰۷	۰/۰۴	-۵/۹۹	۱/۶۴
پنج	۲/۶۵	۱/۰۸	۰/۰۴	-۸/۴۵	۱/۶۴
شش	۲/۴۲	۱/۰۴	۰/۰۴	-۱۴/۰۲	۱/۶۴
هفت	۲/۶۵	۱/۰۰	۰/۰۳	-۸/۹۵	۱/۶۴
هشت	۲/۵۸	۰/۹۸	۰/۰۵	-۷/۶۳	۱/۶۴

$H_0: m \leq 3$. $H_1: m > 3$

ب) نتایج بررسی رتبه‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه با استفاده از آزمون فریدمن

طبق آزمون رتبه‌بندی فریدمن، موانع درون‌زا بیشترین نقش بازدارندگی را در توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد دارند و پس از آن، موانع برون‌زا و در رتبه سوم موانع منتجی قرار دارد (جدول ۲)؛

جدول (۲) نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای موانع سه‌گانه توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد

موانع توسعه کارآفرینی	میانگین رتبه‌ها	N تعداد جامعه	d.f درجه آزادی	Sig ضریب معناداری
درون‌زا	۲/۱۶	۲۷۹	۲	/۰۰۰
برون‌زا	۲/۰۷			
منتجی	۱/۷۷			

دوم بین میزان اهمیت موانع درون‌زا تفاوت معنادار وجود ندارد و با توجه به میانگین رتبه‌های محاسبه‌شده، نقش مدیریت ارشد، مهم‌ترین مانع درون‌زای کارآفرینی

در دانشگاه است و پس از آن به ترتیب، نقش پیچیدگی اهداف، و در نهایت نقش منابع انسانی مهم‌ترین موانع درون‌زای کارآفرینی در دانشگاه هستند (جدول ۳).

جدول (۳) نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای متغیرهای موانع درون‌زا

Sig ضریب معناداری	χ^2 کای دو	d.f درجه آزادی	N تعداد جامعه	میانگین رتبه‌ها	موانع درون‌زا
.۰۰۱	۱۳/۲۴۴	۲	۲۷۹	۲/۱۰	نقش مدیریت ارشد
				۱/۹۱	نقش پیچیدگی اهداف
				۱/۵۲	منابع انسانی

سوم بین میزان اهمیت موانع برون‌زا تفاوت معنادار وجود ندارد و با توجه به میانگین رتبه‌های محاسبه‌شده، نقش عوامل علمی و تحقیقاتی، مهم‌ترین موانع برون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است و پس از آن، به ترتیب عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی - اجتماعی، و در نهایت عوامل اقتصادی و مالی مهم‌ترین موانع برون‌زای کارآفرینی در دانشگاه هستند (جدول ۴).

جدول (۴) نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای متغیرهای موانع برون‌زا

Sig ضریب معناداری	χ^2 کای دو	d.f درجه آزادی	N تعداد جامعه	میانگین رتبه‌ها	موانع برون‌زا
۰/۰۰۰	۲۱/۸۳۸	۳	۲۷۹	۲/۵۸	عوامل فرهنگی
				۲/۴۵	عوامل سیاسی - اجتماعی
				۲/۳۵	عوامل اقتصادی و مالی
				۲/۶۳	عوامل علمی و تحقیقاتی

چهارم با توجه به میانگین رتبه محاسبه شده، نقش، ضریب کوشش (منابع مادی)، مهم‌ترین موانع ترکیبی کارآفرینی در دانشگاه می‌باشد (جدول ۵).

جدول (۵) نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن برای متغیرهای موانع ترکیبی

Sig ضریب معناداری	χ^2 کای دو	d.f درجه آزادی	N تعداد جامعه	میانگین رتبه	موانع منتجی
۰/۴۷۰	۰/۵۲۱	۱	۲۷۹	۱/۴۸	ضریب کوشش (منابع مادی)

نتیجه‌گیری

۱. نتایج تحلیل توصیفی سؤال‌های اصلی پژوهش نشان داد که میانگین به دست آمده در مورد عوامل اصلی پژوهش در حد پایین‌تر از متوسط بوده است؛ که مهم‌ترین عوامل در هریک از سؤال‌های اصلی به قرار زیر بوده است: در خصوص نقش مدیریت ارشد دو مؤلفه میزان حمایت مدیریت از طرح‌های جدید و میزان اختیار مدیران دانشگاه در زمینه برگزاری درس‌های کارآفرینی؛ در خصوص نقش پیچیدگی اهداف، مؤلفه‌های میزان قابل اندازه‌گیری بودن اهداف حوزه فعالیت اعضای هیئت علمی و میزان واضح و روشن بودن اهداف و مأموریت دانشگاه؛ در خصوص نقش منابع انسانی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، مؤلفه‌های میزان توجه دانشگاه به برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت، آموزش و ایجاد دوره‌های آموزشی مرتبط با رشته شما، تا چه حد در دانشگاه به تربیت محقق و پژوهشگر اهمیت داده می‌شود؛ در خصوص نقش موانع فرهنگی مؤثر در توسعه کار آفرینی در دانشگاه، مؤلفه‌های میزان آشنایی اعضای هیئت علمی با فرایندها و نحوه اجرای امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی خود و میزان دسترسی اعضای هیئت علمی در دانشگاه به منابع معتبر و به روز؛ در خصوص نقش موانع سیاسی و اجتماعی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، دو مؤلفه، به چه میزان مراکز قدرت خارج از دانشگاه در اخذ تصمیمات جدید و نو مؤثرند و تا چه میزان دانشگاه در انجام فعالیت‌های خود تحت تأثیر افکار عمومی حرکت می‌کند؛ در خصوص نقش موانع اقتصادی و مالی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، مؤلفه‌های، چه میزان دانشگاه در جهت تأمین مالی طرح‌های جدید تلاش می‌کند و چه میزان دانشگاه در جهت جذب منابع مالی جدید تلاش می‌کند، در خصوص نقش موانع علمی و تحقیقاتی مؤثر در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، مؤلفه‌های، میزان تلاش دانشگاه برای افزایش قابلیت‌های آموزشی و پژوهشی خود و میزان دسترسی اعضای هیئت علمی به منابع علمی و تحقیقات انجام شده در رشته خود، در دانشگاه محل خدمت، در خصوص نقش ضریب کوشش آموزش عالی (منابع مادی) در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، مؤلفه، تا چه حد دانشگاه شاهد از نظر منابع و تجهیزات به فعالیت‌های مرتبط با دروس عملی اهمیت

می‌دهد، مهم‌ترین عوامل و موانع توسعه کارآفرینی از سوی پاسخگویان بوده است. که یافته‌های فوق مؤید یافته‌های بخشی (۱۳۸۱)، رحمانی و نظری کتولی (۱۳۸۲)، یدالهی فارسی (۱۳۸۴) و احمدزاده (۱۳۸۴) است؛

۲. در تحلیل استنباطی به منظور بررسی عوامل اصلی پژوهش در توسعه کارآفرینی در دانشگاه (سطح $P \leq .5$) بیان‌گر آن است که t به دست آمده از مقدار بحرانی جدول کوچک‌تر بوده، بنابراین می‌توان اذعان داشت میانگین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی در خصوص تأثیر نقش هر یک از عوامل اصلی در توسعه کارآفرینی در دانشگاه، در سطح بالاتر از سطح متوسط معنادار نیست که یافته‌های فوق با یافته‌های عزیزی (۱۳۸۲)، برومند نسب (۱۳۸۱)، و بخشی (۱۳۸۱) مرتبط است.

پیشنهاد‌های عملی برای کاربست یافته‌ها

بنابر نتایج پژوهش، موانع توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد متأثر از عوامل گوناگونی است؛ بر این اساس، سعی خواهد شد با استفاده از یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی در خصوص رفع موانع و افزایش منابع توسعه کارآفرینی ارائه شود. شرح موارد مذکور از این قرار است:

۱. موانع درون‌زا بیشترین نقش بازدارندگی را در توسعه کارآفرینی در دانشگاه شاهد دارند که در این زمینه، نقش مدیریت ارشد، مهم‌ترین مانع درون‌زای کارآفرینی در دانشگاه است و نقش پیچیدگی اهداف در رتبه بعدی قرار دارد، که پیشنهاد پژوهشگر این است که با توجه به سؤال‌های پرسشنامه: الف) میزان حمایت مدیریت از طرح‌های جدید افزایش یابد. ب) در دانشگاه دوره‌های آموزشی و دروس اختیاری بیشتری در زمینه کارآفرینی ایجاد شود تا بدین ترتیب دانشجویان بتوانند در موقع فارغ‌التحصیلی آماده ایجاد مشاغل جدید باشند؛ ج) به مسائل علمی - پژوهشی در دانشگاه بیشتر اهمیت داده شود؛ د) محتوای آموزش‌ها از حالت نظری صرف در آمده و به سوی کاربردی کردن این آموزش‌ها حرکت کند؛ ه) هدف‌های دانشگاه چالشی و ریسک‌پذیر، برونگرا و فرصت‌گرا و در جهت سازگاری با محیط و تغییرات باشد تا افراد در جهت کارآفرینی و نوآوری حرکت کنند و از آنجا که نقش مدیران عالی در هدف‌گذاری‌های سازمان از اهمیت برخوردار است، هماهنگی و توافق آنان بر سر اهداف دانشگاه می‌تواند بسیار کارساز باشد؛ و از طرفی چنانچه اعضای هیئت علمی در تعیین اهداف و راهبردهایی که برای رسیدن به آن طراحی می‌شود، نقش داشته باشند، می‌تواند در آنها ایجاد انگیزه کند؛

۲. موانع برون‌زا در رتبه دوم قرار می‌گیرد که در این زمینه عوامل علمی و تحقیقاتی، مهم‌ترین مانع برون‌زای کارآفرینی و سپس عوامل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین موانع در دانشگاه است که پیشنهاد پژوهشگر این است که با توجه

به سؤال‌های پرسشنامه: الف) دانشگاه برای افزایش قابلیت‌های آموزشی و پژوهشی خود تلاش کرده و زمینه‌ای فراهم شود که اعضای هیئت علمی و دانشجویان به منابع معتبر و به روز و تحقیقات انجام‌شده در رشته خود دسترسی بیشتری داشته باشند؛ ب) در دانشگاه از کارهای گروهی و تیم‌های کارآفرینی حمایت شود؛ ج) قالب‌های ذهنی غلط اعضاء و کارکنان اصلاح شود؛ چون این قالب‌های ذهنی غلط، تلاش‌های سازمان را به هدر خواهد داد که می‌توان با برگزاری دوره‌های پرورش خلاقیت، کارگاه‌های یورش فکری، مهندسی تصور، مدیریت ایده‌ها و... برای اصلاح این قالب‌ها تلاش کرد؛ د) دانشگاه به جای تمرکز بر رشد کمی، بر افزایش قابلیت‌های آموزشی و پرورشی و بهره‌وری بیشتر تمرکز کند؛ زیرا آنچه بیش از کمیّت اهمیت دارد، کیفیت آموزش و توانایی‌های خروجی دانشگاه است؛ ه) در زمینه سیاسی - اجتماعی نیز دولت به طور سنتی، دانشگاه‌ها را مورد حمایت قرار داده و همین امر سبب شده است، دانشگاه‌ها برای افزایش کارایی خود و استفاده بهتر از منابع موجود تلاش چشمگیری نداشته باشند؛ که باید حمایت دولت منوط به عملکرد دانشگاه‌ها و اراییه شاخص‌های بالای بهره‌وری از سوی آنها باشد؛

۳. موانع ترکیبی در آخرین رتبه قرار می‌گیرد که در این زمینه، نقش ضریب کوشش (منابع مادی)، مهم‌ترین مانع ترکیبی کارآفرینی در دانشگاه است که پیشنهاد پژوهشگر این است که با توجه به سؤال‌های پرسشنامه: الف) دانشگاه به بودجه تحقیق و توسعه توجه بیشتری نشان دهد؛ ب) منابع و تجهیزات بیشتری در دسترس استادان و دانشجویان قرار گیرد؛ ج) و در نهایت منابع و امکانات لازم برای فعالیت‌های مرتبط با دروس عملی فراهم شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۴). کارآفرینی (تعاریف / نظریات / الگوها). تهران: پردیس، چاپ ششم.
- احمد زاده، نسرین (زمستان ۱۳۸۴). بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینانه از دیدگاه فارغ‌التحصیلان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه ارشد.
- باقری نژاد، جعفر (۱۳۸۰). دانشگاه کارآفرین زمینه اشتغال‌زایی. مجموعه مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی - تحقیقاتی کشور، ص ۳۶۹. بخشی، غلامرضا (زمستان ۱۳۸۱). بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در دانشگاه مازندران. پایان نامه ارشد.
- برومند نسب، م (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی - اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی
- پرداختچی، محمدحسن و حمید، شفیق زاده (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی. تهران: ارسباران، چاپ اول.
- حیدری، احمد (۱۳۸۲). کارآفرینی مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها. نشریه سیمای اقتصادی، شماره ۲۰۳ و ۲۰۴، ص ۱۸۲.
- رحمانیان، رامین و علی، نظری کتولی (۱۳۸۲). چالش‌های نظام آموزش عالی و ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان. اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
- رضوی نعمت الهی، اقدس السادات (فروردین ۱۳۸۴). روزنامه همشهری. سال ۱۳۸۴، شماره ۳۶۷۷، صفحه ۱۰.
- سازمان همیاری و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (۱۳۸۱). همایش هم‌اندیشی پیرامون تدوین، اجرا و توسعه آموزش کارآفرینی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۵). اصول و مبانی کارآفرینی. تهران: کیا، چاپ چهارم.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۲). کارآفرینی: پیامد دانشگاه نتیجه‌گرا. اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
- شاه حسینی، علی (۱۳۸۳). کارآفرینی. نشر آبیژ، چاپ اول.
- صبغیان، زهرا، احمدپور داریانی، محمود و عزیز، محمد (زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان. نشریه پیام مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴، ص ۱۶۳.

صمدآقایی، جلیل (۱۳۸۲). *سازمان‌های کارآفرین*، نشر مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ دوم.
 عزیزی، محمد (۱۳۸۲). *بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی*. پایان‌نامه ارشد.

علوی، سید ابوالفضل و محسن، حداد سبزواری (۱۳۸۰). *خلاقیت و نوآوری در دانشگاه‌ها، چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی تحقیقاتی کشور*. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
 کردناجی، اسدالله (پائیز ۱۳۸۴). *دانشگاه کارآفرین*، آموزش عالی و نقش آن در ایجاد اشتغال. *نشریه مدیریت و توسعه*، شماره ۲۶، ص ۱۷.

نجفی، محمد و نفیسه رفیعی (۱۳۸۴). *یادگیری مبتنی بر کارآفرینی در آموزش عالی*. *مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته شده اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۳۵۵.
 ملکی، بهاره (۱۳۸۶). *کارآفرینی در دانشگاه‌ها (مطالعه موردی)*. *نشریه تدبیر*، سال هیجدهم، شماره ۱۸۲.

یدلهی فارسی، جهانگیر (۱۳۸۴). *مدیریت و ارزیابی عملکرد کارآفرینی سازمانی*. *نشریه فرهنگ مدیریت*، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۲۹.
 یدلهی فارسی، جهانگیر (۱۳۸۴). *نقش جدید دانشگاه‌ها: توسعه قابلیت‌های کارآفرینی*. *دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور*.

Cochran, T. (1968). Entrepreneurship. In D. L. Sills (Ed.). *International Encyclopedia of the social sciences*. New York. Free Press.

Gibb, A. (1990). Enterprise culture and education. *International Small Business Journal*, Vol. 11, No. 3, PP 11-33.

Gibb, A. A. (1987). Enterprise culture: Its meaning and implications for education and training. *Journal of European Industrial Training*, Vol. 11, No. 2, P 38.

Matly, H. (2005). Industry and higher education. *Selected Article Abstracts*, Vol. 19, No. 1.

Neo, K. & Wee, L. (2004). A problem-based learning approach in entrepreneurship education (*Promoting authentic entrepreneurial learning*).

UNESCO (2004). Ceps European center for higher education. *Higher Education in Europe*, Vol. XXIX, No. 2.

Vesper, K. (1993). *Entrepreneurship education*. Los Angeles Entrepreneurial Studies Center, UCLA, No. 4.